

Fatimid Life Skills (S); A Civilizational Approach

Laleh Eftekhari *

Received on: 03/02/2025

Accepted on: 09/08/2025

Abstract

Purpose: System-building and civilization-building are among the missions of religion from the perspective of Imam Khomeini (RA) (Khamenei, Statements on the 31st Anniversary of Imam Khomeini's Passing Away, 03/14/2019). In the Islamic world, unity aimed at achieving a new Islamic civilization is considered the highest form of unity (see: Khamenei, Statements of the Meeting of the Guests of the Unity Conference, 08/24/2019). Accordingly, today the goal for every Muslim should be to create a new Islamic civilization (Khamenei, Statements of the Meeting of the Iraqi Motorcade, 06/27/2019). In various meetings with women, the Supreme Leader discusses their issues from multiple perspectives. In a message that acknowledges differences in foundations and worldviews, he identifies three models of women: predominantly Eastern, predominantly Western, and neither Eastern nor Western, the latter based on the Fatimid model (Khamenei, Statements of a Group Meeting of Selected Women of the Country, 01/30/2014). This study examines the components of a modern Islamic civilization grounded in the Fatimid model.

Methodology: This study employs a descriptive-analytical method, drawing on library resources, hadiths, and a civilizational framework of the life of Hazrat Zahra (S) as a model aligned with the study's aims and research questions.

Theoretical Foundations: The study explains the theoretical foundations of the following topics in order: Life Skills (types and dimensions of life skills with examples); Civilization (definition of civilization and modern Islamic civilization; distinctions between Islamic civilization and non-monotheistic civilizations; the necessity of a modern Islamic civilization; components and

* Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
eftekhari@shahed.ac.ir

principles of Islamic civilization); the components and principles of modern Islamic civilization grounded in Fatimid life skills (consultation and advice, allegiance); the concept of the human caliphate from God; enjoining what is right and forbidding what is wrong; equality and equity; social solidarity and cohesion; awakening, awareness, and insight; social participation; mutual support between officials and the people; thinking and rationality; insight; recognition of mutual rights (needs and feelings of others); avoidance of petrification and reaction, as well as openness to innovation, eclecticism, and chaos; jihad and defense of the oppressed; and the acquisition of knowledge.

Findings: Research findings indicate that the majority of life-skill indicators based on the revelatory model align with the life-skill and civilizational attributes currently proposed by contemporary thinkers. Therefore, Hazrat Zahra (peace be upon her)—as the supreme exemplar of Islamic life skills—serves as a fitting model for the realization of the new Islamic civilization.

Conclusion: Conclusion Realizing a new Islamic civilization is the mission of every Muslim. Since non-divine civilizations often conflict with Islamic culture, Muslims should draw on life skills inspired by the Islamic civilization model and grounded in Qur’anic teachings to achieve this goal. Looking to noble exemplars such as Siddiqah al-Kubra (PBUH) can facilitate and accelerate this path. Accordingly, after examining the components and characteristics of life skills and the new Islamic civilization, this study explores a range of common and less-common issues—such as critical thinking, insight, learning, communication with others, respect for their rights, equality, and consultation—in relation to the life of Hazrat Zahra (PBUH). The findings indicate that although Hazrat Zahra was a young woman and a citizen of the civilized society of Madinah, her sayings and life provide valuable examples on all these issues that can inspire everyone. Based on this, it is suggested that Fatimid life skills adopt a civilizational approach characterized by values such as diligence, justice, responsibility, and chastity, tailored to the needs and understanding of diverse audiences—including children, adolescents, youth, women, and men—in relation to themselves, God, and others. Content should be developed in the form of games, entertainment, films, stories, novels, and poems, and integrated into school and university curricula, as well as in-service training for employees, and pre- and post-marriage training and skills courses.

Keywords: Modern Islamic civilization, life style of the Ahl al-Bayt (a.s.), Hazrat Zahra (a.s.), life skills, civilizational model

مهارت‌های زندگی فاطمی(س)؛ رویکردی تمدنی

لاله افتخاری *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده

جهان اسلام به‌سوی تمدن نوین اسلامی در حرکت است. بدیهی است این تمدن با سبک زندگی غربی محقق نخواهد شد. بلکه مبتنی بر فرهنگ اسلامی است؛ فرهنگی که برگرفته از آموزه‌های وحی قرآنی و وحی بیانی است. تأثیرگذاری این فرهنگ اما، وابسته به آگاهی از مهارت‌های زندگی است و به این دلیل که فرهنگ فاطمی، همان فرهنگ نبوی، مهدوی و قرآنی است بهره‌گیری از فرمایشات حضرت زهرا(س) که الگوی شایسته امام عصر(ع) بوده، برای حجج الهی و ائمه معصومین(ع) حجت به شمار می‌آید، از لوازم تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود؛ تمدنی که صورت کامل آن در زمان ظهور حضرت تحقق می‌یابد. از این رو این پژوهش که با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده، به بررسی تمدن نوین اسلامی مبتنی بر الگوی فاطمی پرداخته است و چنین نتیجه گرفته که در سیره حضرت برای شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مشترک و غیرمشترک تمدن اسلامی و مهارت‌های زندگی همچون تفکرورزی، بصیرت‌ورزی، علم‌آموزی، ارتباط مؤثر با دیگران، مساوات و مشورت‌گیری شواهد ارزشمندی وجود دارد.

کلمات کلیدی: تمدن نوین اسلامی، سیره اهل‌بیت(ع)، حضرت زهرا(س)، مهارت‌های زندگی، الگوی تمدنی

* استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

بیان مسئله

نظام‌سازی و تمدن‌سازی ازجمله رسالت‌های دین از دیدگاه حضرت امام(ره) است (خامنه‌ای، بیانات در ۳۱مین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۹/۰۳/۱۴) و در دنیای اسلام نیز اتحاد در جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی، مرتبه والای اتحاد به شمار می‌آید (رک: خامنه‌ای، بیانات دیدار مهمانان کنفرانس وحدت، ۱۳۹۸/۰۸/۲۴). بنابراین امروزه هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن نوین اسلامی باشد (خامنه‌ای، بیانات دیدار موكب‌داران عراقی، ۱۳۹۸/۰۶/۲۷).

ازسویی پژوهش‌ها نشان داده است که آگاهی از مهارت‌های زندگی در کاهش مشکلات زندگی بشر اثر بسزایی دارد. بنابراین در بعضی کشورها مهارت‌های زندگی به‌عنوان بخشی از «برنامه‌های درسی رسمی مدارس» قرار گرفته است (استنتن و دیگران، ۱۹۸۰، به نقل از ادیب، ۱۳۸۲، ص ۱۴). تعریف مدون از مهارت‌های زندگی نخستین بار در سال ۱۹۹۳، ازسوی سازمان بهداشت جهانی، مطرح شد. بدیهی است این تعریف بر مبنای دیدگاه‌ها و جهان‌بینی مادی آنان و متفاوت با مبانی و حیانی صورت گرفته است؛ مبانی‌ای که تمدن اسلامی با دو پسوند اسلامیت و نوین بودن تقابل و تغایر خود با آن را بیان می‌کند (ابراهیم‌نژاد، ۱۴۰۱، صص ۱۱-۳۲)؛ مبانی‌ای که تمدن برخاسته از آن سبب از هم پاشیده شدن خانواده‌ها و شکستن حرمت و کرامت بشریت به‌ویژه زنان شده است. علاوه بر آنکه در نیمه دوم قرن بیستم، آشکار شدن آثار دین بر زندگی فردی و اجتماعی انسان و ضعف‌های علم سکولار و عدم پاسخگویی آن به سؤالات اساسی انسان، دانشمندان را به روی آوردن مجدد به دین و معنویت واداشت (گلشنی، ۱۳۷۹، ص ۲۰). بنابراین امامین انقلاب پیوسته بر سبک و مهارت‌های زندگی و سیره اهل‌بیت(ع) به‌ویژه فاطمه زهرا(س) در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی تأکید ورزیده‌اند. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: «ما یک کوخ چهارپنج نفری در صدر اسلام داشتیم و آن کوخ فاطمه زهرا(س) است. برکات این کوخ چندنفری، عالم را پر کرده است از نورانیت» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۳). مقام معظم رهبری اما در دیدارهای مختلف بانوان مسائل آنان را از جنبه‌های گوناگون تبیین کرده است، در پیامی با توجه به تفاوت در مبانی و جهان‌بینی‌ها، سه الگوی زن در تعریف غالباً شرقی، غالباً غربی و زن در تعریف نه شرقی و نه غربی را مطرح می‌کند که مورد اخیر مبتنی بر الگوی فاطمی است (خامنه‌ای، بیانات دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰) و در این پژوهش مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی مبتنی بر الگوی فاطمی بررسی می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

- خزایی و رجبی دوانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی فرجام‌شناسی تمدنی» به بررسی مقایسه‌ای تمدن‌سازی غیردینی با تمدن‌سازی دینی پرداخته‌اند و چنین نتیجه گرفته‌اند که مکاتب

غیردینی غربی در پیش‌بینی پایان و فرجام متناسب با فطرت حق‌گرا و خداجوی انسانی که بتواند راهگشای بشر باشد، سرگردان و عاجز هستند.

- جمشیدی (۱۳۹۴) در پژوهش «مبانی دینی تمدن از منظر اسلام» چنین نتیجه می‌گیرد که بر شکل‌گیری تمدن، عوامل مختلفی همچون توحیدگرایی، عدالت‌محوری، جاودانه‌گرایی، عقل‌محوری... و فضیلت‌محوری (تکیه بر ایمان، تقوا، عدالت، علم و جهاد) تأثیرگذار است.

- دهشیری (۱۳۹۴) در مقاله «تمدن نوین اسلامی، بنیادها و چشم‌اندازها» بیان می‌کند که ویژگی‌های منحصر به فرد در تمدن اسلامی که مشتمل بر فطرت انسان است، سبب تأثیر تمدن نوین اسلامی فراتر از مرزهای محلی و مستقل از دولت‌ها می‌شود.

- بهجت‌پور (۱۳۹۴)، در مقاله «سبک زندگی فاطمی(س)» پس از بیان اینکه سبک زندگی شکل بیرونی زندگی افراد است، چنین نتیجه می‌گیرد که سبک زندگی حضرت زهرا(س) در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر اصیل‌ترین باورهاست.

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در خصوص تمدن، تمدن نوین اسلامی، سبک زندگی و سیره فاطمی انجام گرفته است؛ لیکن در خصوص مهارت‌های زندگی فاطمی(س)؛ رویکردی تمدنی که پیونددهنده میان تمدن اسلامی و سیره حضرت زهرا(س) به عنوان الگویی کامل و جامع برای تمامی زمان‌هاست، انجام نگرفته است. موضوع مهمی که در این جستار بدان پرداخته شده است.

۲. روش پژوهش

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از آیات و روایات و با رویکرد تمدنی به سیره حضرت زهرا(س) به عنوان الگوی تمدنی متناسب با اهداف و سؤال پژوهش انجام گرفته است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. مهارت‌های زندگی

برای مهارت‌های زندگی تعاریف گوناگونی وجود دارد. برخی، مهارت‌های زندگی را به عنوان «تغییر در رفتار به منظور نشان دادن تعادل بین سه حوزه دانش، نگرش و مهارت‌ها» می‌دانند (پیداد، ۱۳۸۵، ص ۲۷) که گستره وسیعی از دانش و مهارت‌های تعاملی بین فردی را شامل می‌شود و برای زندگی بزرگسالی اساسی

است (ژوئن، ۱۹۹۰، به نقل از ادیب، ۱۳۸۲، ص ۱۸). درحقیقت مهارت‌های زندگی، مهارت‌های «خودباری» است (علوی، ۱۳۸۳، ص ۹۹) و به کمک آن افراد یاد می‌گیرند که به‌راحتی با دیگران زندگی کنند (ادیب، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

۱-۱-۳. انواع و ابعاد مهارت‌های زندگی و مصادیق آن

در تعیین ابعاد مهارت‌های زندگی همچون تعریف آن اختلاف‌نظر وجود دارد؛ برخی با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی، برای آن چهار بعد کلی بیان کرده‌اند، که هرکدام دارای اجزا و مؤلفه‌هایی است. این ابعاد عبارت‌اند از:

۱. ارتباط بین فردی: شامل مشارکت فرد در فعالیت‌های اجتماعی، برقراری روابط صمیمی بین فردی، همدلی و...؛

۲. حل مسئله، تصمیم‌گیری اجتماعی: شامل تشخیص مسئله، ارزیابی و تحلیل اطلاعات، انتخاب راه حل‌ها، تدوین هدف و برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف؛

۳. رعایت بهداشت و سلامت بدن: شامل توجه به شیوه‌های مطلوب تغذیه، آراستگی ظاهر، کنترل فشارهای روحی و مانند آن؛

۴. داشتن هدف در زندگی و رشد هویت: شامل آگاهی از هویت شخصی، افزایش و نگهداری عزت نفس، واضح‌سازی ارزش‌ها، رشد معنا در زندگی و نقش‌های جنسیتی (ادیب و فردانش، ۱۳۸۲، ص ۱۷).

در این زمینه بیشتر به ده تکنیک اصلی که سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۴ مطرح کرد و به‌دلیل ارتباط طبیعی میان آن‌ها جفت‌جفت مطرح شده‌اند، اشاره شده است که عبارت‌اند از: ۱. خودآگاهی و همدلی، ۲. ارتباطی و روابط بین فردی، ۳. تصمیم‌گیری و حل مسئله، ۴. تفکر خلاق و انتقادی و ۵. مقابله با استرس و هیجان. تعدادی از این‌ها با آنچه جلوتر ذکر شد هم‌پوشانی دارند. سال ۱۹۹۰، مهارت‌های ویژه والدین شامل: تشکیل خانواده، انتخاب همسر، قبول مسئولیت در برابر خانواده، ایجاد تعادل بین کار در منزل و بیرون، تربیت فرزند و شناخت حقوق خود و کودکان مطرح شد (ادیب و فردانش، ۱۳۸۲، ص ۱۸). در این رویکرد به‌نحوی به خانواده بیشتر توجه شده است.

همچنین در تعریفی برای مهارت‌های زندگی سه بخش لحاظ شده است:

۱. مهارت‌های شناختی: شامل درک مفاهیم، تفکر انتقادی، خودسنجی و...

۲. مهارت‌های اجتماعی و بین فردی: شامل مهارت‌های ارتباطی، مذاکره، مشارکت و همکاری

۳. مهارت‌های کنترل هیجانی: شامل کنترل استرس و خشم

از آنچه گفته شد، چنین به دست می‌آید که دربارهٔ مهارت‌های زندگی و ارکان و شاخصه‌های آن دیدگاه واحدی وجود ندارد، اما درمجموع دسته‌ای از توانمندی‌ها و آگاهی‌ها را شامل شده، غالباً در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری در ارتباط انسان با انسان‌های دیگر و انسان با خالق خود و با شاخصه‌هایی همچون: ۱. تفکرورزی، ۲. بصیرت‌ورزی، ۳. علم‌آموزی، ۴. شناخت حقوق متقابل، نیازها و احساسات دیگران و ۵. مشورت‌گیری بررسی می‌شود. شاخصه‌هایی که اگر بر مبنای صحیح صورت گیرد، فرد را در مواجهه با دیگر افراد و مشکلات زندگی توانمند و موفق می‌کند. و آنگاه که این مبنا نه بشری، بلکه الهی و وحیانی باشد و الگوهایی والا همچون حضرت زهرا (س) را در خود پرورش دهد، در ترسیم و تحقق زندگی سعادت‌مندانه و دستیابی به حیات طیبه برای امروز و آیندهٔ فرد و جامعهٔ بشری نقش بسزایی دارد.

جدول شمارهٔ ۱. انواع و ابعاد مهارت‌های زندگی و مصادیق آن

ابعاد مهارت‌های زندگی	مصادیق آن
ارتباط بین فردی	مشارکت فرد در فعالیت‌های اجتماعی، برقراری روابط صمیمی بین فردی، همدلی و غیره
حل مسئله، تصمیم‌گیری اجتماعی	تشخیص مسئله، ارزیابی و تحلیل اطلاعات، انتخاب راه‌حل‌ها، تدوین هدف و برنامه‌ریزی برای رسیدن به هدف
رعایت بهداشت و سلامت بدن	توجه به شیوه‌های مطلوب تغذیه، آراستگی ظاهر، کنترل فشارهای روحی و مانند آن
داشتن هدف در زندگی و رشد هویت	آگاهی از هویت شخصی، افزایش و نگهداری عزت نفس، واضح‌سازی ارزش‌ها، رشد معنا در زندگی و نقش‌های جنسیتی

جدول شمارهٔ ۲. تعریف برای مهارت‌های زندگی

بخش	تعریف مهارت‌های زندگی
مهارت‌های شناختی	درک مفاهیم، تفکر انتقادی، خودسنجی و ...
مهارت‌های اجتماعی و بین فردی	مهارت‌های ارتباطی، مذاکره، مشارکت و همکاری
مهارت‌های کنترل هیجانی	کنترل استرس و خشم

۲-۳. تمدن

۱-۲-۳. تعریف تمدن

ریشهٔ واژهٔ تمدن یا civilization (اکبری، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲) از «مدن» به معنای «المدنیة» و

«الحضارة» یعنی شهرنشینی است (غفرانی و شیرازی، ۱۳۶۹، ص ۹۰) و «تمدن» به معنای «عاش عیثه اهل المدن» یعنی زندگی شهرنشینی گزید.

تمدن ازجمله مفاهیمی است که پیشینه آن به قرن‌های دور می‌رسد و می‌توان نمونه اسلامی آن را از دوران نبوی دانست، لیکن از نظر اصطلاح، مفهومی نوین است و به قرن هجدهم و عصر روشنگری بازمی‌گردد. سپس تعاریف گوناگونی برای آن مطرح شد؛ برخی در تعریف تمدن از یک بعد از ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی یا اجتماعی و گروهی به تمامی ابعاد مذکور پرداخته‌اند. بعضی تمدن را مشتمل بر دو بعد مادی و معنوی-اخلاقی می‌دانند که به یک جامعه فرصت می‌دهد که افراد در آن رشد کنند (ولایتی و همکاران، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۸) هانتینگتون، تمدن را بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین واحد اجتماعی و در بالاترین و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی می‌داند که بر دیگر واحدهای اجتماعی تأثیرگذار است (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص ۴۲). تعریف ویل دورانت از تمدن کامل‌تر است بدینگونه که در نگاه او تمدن، نظامی اجتماعی است که از طریق خلاقیت، از اندیشه‌ها، آداب، رسوم و هنر بهره گرفته و سبب تسریع در دستاوردهای فرهنگی شده است. تمدن، نظامی سیاسی است که اخلاق و قانون نگهدارنده آن هستند و نظامی اقتصادی است که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند. از نظر وی تمدن چهار رکن اصلی دارد که عبارت‌اند از: ۱. پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، ۲. سازمان سیاسی، ۳. سنن اخلاقی و ۴. کوشش در راه معرفت و بسط هنر (دورانت، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳). از نظر ابن خلدون تمدن یعنی مجموعه شهرها، قریه‌ها، منازل مسکونی، سازه‌ها و مظاهر پیشرفت علمی و ادبی که با واژه «الحضارة» در مقابل «البدایة» یعنی بادیه نشینی می‌آید و جامعه تمدن جامعه‌ای است که ضمن برخورداری از ساختارهای منظم حکومتی و نظارتی، زندگی افراد در آن با تعالی فضائل و ملکات نفسانی همچون علم و هنر همراه باشد (ابن خلدون، ۱۳۹۵، ص ۲۹۴).

شریعتی اما تمدن را به معنای مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی انسان می‌داند (ولایتی و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۱-۹). زرین‌کوب بر این نکته تأکید می‌کند که دین اسلام به سبب ویژگی‌های الهی خود توانسته مایه تجانس عناصر نامتجانس نژادی و قومی در حوزه تمدنی شود و زمینه را برای بروز و درخشش استعدادها فراهم کند، تمدنی ایجاد کند که به رغم وجود عناصر نامتجانس از شرق و غرب آن روزگار، نه شرقی محسوب می‌شد و نه غربی بلکه هویت و ویژگی‌اش اسلامی بود (زرین‌کوب، ۱۳۶۹، ص ۳۱).

امام خمینی (ره) مهم‌ترین عنصر تمدن را در بعد معنوی یعنی توان انسان‌سازی آن می‌داند (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۸). ایشان درباره برتری تمدن اسلامی در مقایسه با سایر تمدن‌ها می‌گوید: «مسلمین آن‌ها بودند که مجد آنان دنیا را گرفته بود. تمدن آن‌ها فوق تمدن‌ها بود. معنویت آن‌ها بالاترین معنویات

بود» (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۷۴). در تعریف آیت‌الله جوادی تمدن فرایندی است که براساس رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی-اجتماعی صورت می‌گیرد و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳).

از دیدگاه رهبری، تمدن اسلامی که نقطه‌رهایی از تمدن مادی ظالمانه غرب است دارای شاخصه‌هایی همچون ایمان، علم، اخلاق و مجاهدت است (خامنه‌ای، اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

جدول شماره ۳. نظر دانشمندان و علما درباره تمدن

دانشمندان و علما	نظر در مورد تمدن
ویل دورانت	تمدن چهار رکن اصلی دارد که عبارت‌اند از: ۱. پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، ۲. سازمان سیاسی، ۳. سنن اخلاقی و ۴. کوشش در راه معرفت و بسط هنر.
ابن خلدون	جامعه متمدن جامعه‌ای است که ضمن برخورداری از ساختارهای منظم حکومتی و نظارتی، زندگی افراد در آن با تعالی فضائل و ملکات نفسانی همچون علم و هنر همراه باشد.
شریعتی	تمدن به معنای مجموعه ساخت‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی انسان است.
زرین کوب	دین اسلام به سبب ویژگی‌های الهی خود توانسته مایه تجانس عناصر نامتجانس نژادی و قومی در حوزه تمدنی شود و زمینه را برای بروز و درخشش استعدادها فراهم کند.
امام خمینی (ره)	مهم‌ترین عنصر تمدن در بعد معنوی یعنی توان انسان‌سازی آن است.
آیت‌الله جوادی آملی	تمدن فرایندی است که براساس رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی-اجتماعی صورت می‌گیرد و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد.
رهبری	تمدن اسلامی که نقطه‌رهایی از تمدن مادی ظالمانه غرب است دارای شاخصه‌هایی همچون ایمان، علم، اخلاق و مجاهدت است.

۲-۲-۳. تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی تنها از راه انتخاب الگوی وحیانی و کسب مهارت‌های زندگی براساس آن محقق خواهد شد. در تعریف تمدن، وجه پیشرفت و برخورداری اقتصادی به ذهن متبادر پیدا می‌کند؛ بااین حال اندیشمندان اعم از مسلمان و غیرمسلمان به وجه نرم‌افزاری تمدن در قالب فرهنگ، اخلاق، معنویت و نظایر آن توجه کرده‌اند. برای مثال از نظر ویل دورانت سنن اخلاقی یکی از چهار رکن تمدن به شمار می‌آیند و به همراه قانون، حافظ و نگهبان بخش سیاسی تمدن است (دورانت، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳). مقام معظم رهبری همین سخن و بلکه فراتر از آن را مطرح می‌کند. ایشان تمدن و امتی را پایدار می‌داند که بر

مبنای دین حرکت کنند، در غیر این صورت سرنوشت آن همچون ملت آشور و بابل و مانند آن‌ها خواهد بود که به‌رغم آنکه از اولین تمدن‌های بشری بوده‌اند از آن‌ها اثری باقی نمانده است. ایشان در ضرورت توجه به دو بعد تمدن اسلامی گویند: تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن خلق کرده است، برسد...؛ زندگی خوبی داشته باشد؛ زندگی عزتمندی داشته باشد؛ عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت (است)؛ تمدن اسلامی یعنی این (رک: خامنه‌ای، دیدار مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۶/۰۲/۰۵). بنابراین آرمان اصلی، واقعی و نهایی (جمهوری اسلامی ایران)، ایجاد تمدن اسلامی است (خامنه‌ای، دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۹۹/۲/۲۸).

۳-۲-۱. تفاوت تمدن اسلامی با تمدن‌های غیرتوحیدی

تفاوت این دو نوع تمدن به تفاوت آن‌ها در مبانی، اساس و اصولی برمی‌گردد که درحقیقت نوعی جهان‌بینی و جهان‌نگری ایجادگرِ بایدها و نبایدها را پدید می‌آورد. امام خمینی در این باره می‌فرماید: آنچه اندیشه‌ای را دینی می‌کند مبانی است نه موضوعات؛ چنان‌که اگر کسی حقوق بشر در اسلام را با مبانی انسان‌محوری که به ظاهر دارای مبانی غیردینی است، توضیح بدهد، آنچه حاصل می‌آورد اسلامی نخواهد بود، منتها موضوعش یکی از موضوعاتی است که در اسلام مطرح است (قادری، ۱۳۹۵). مقام معظم رهبری در بیان تفاوت این دو تمدن و تأثیر سبک زندگی در آن می‌گویند: «فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسایل آسایش زندگی نیست؛ این‌ها ظواهر فرهنگ غربی است که تعیین‌کننده نیست. بطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضدمعنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود (خامنه‌ای، دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۲). ایشان در ضرورت توجه به معنویت می‌فرمایند: در تمدن نوین اسلامی معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع در کنار پیشرفت زندگی مادی (خامنه‌ای، دیدار جمع کارگزاران نظام، ۱۳۹۴/۱۲/۸) برقرار است. این نسخه تمدنی به دلیل اتکا به معنویت، خدا، وحی الهی، تعلیم الهی و به‌طور کلی هدایت الهی نسخه سعادت بشر امروزی است (خامنه‌ای، بیانات دیدار قرآنیان، ۱۳۹۱/۴/۳۱).

ازآنچه مطرح شد چنین به دست می‌آید که همچون مهارت‌های زندگی غربی و اسلامی، میان این دو تمدن نیز تفاوت مبنایی وجود دارد و این تفاوت تا آنجا اثر می‌گذارد که آنچه برای تمدن غیروحيانی هدف است برای تمدن اسلامی ابزار به شمار می‌آید. درنتیجه می‌توان گفت که تمدن نوین اسلامی دو بخش دارد یک بخش ابزاری است؛ بخش دیگر بخش متنی و اصلی و اساسی است و به هر دو بخش باید توجه کرد. بخش ابزاری عبارت است از آن ارزش‌هایی که امروزه به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم؛ علم،

اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همه بخش‌های تمدن است؛ اما بخش حقیقی آن چیزهایی هستند که متن زندگی را تشکیل می‌دهند که همان سبک زندگی است مثل موضوع خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، رفتار ما در فعالیت‌های سیاسی، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن و رفتار ما با بیگانه. این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن هستند که متن زندگی اسلامی انسان را تشکیل می‌دهند. پس این همان موضوعی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند «عقل معاش». عقل معاش فقط به معنای پول درآوردن و پول خرج کردن نیست (خامنه‌ای، بیانات دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

۲-۲-۲. ضرورت تمدن نوین اسلامی

توجه به اینکه پیشینه تمدن اسلامی به کامل‌ترین الگوی تمدنی در جامعه مدینه‌النبی برمی‌گردد (نصر، ۱۳۸۳، ص ۲۶۸) و درحقیقت دوران ۲۳ ساله رسالت پیامبر (ص) بخشی برای کادرسازی و زمینه‌سازی تمدن اسلامی و بخش دیگری همان دوران ۱۰ ساله مدینه به ساخت و تحقق تمدن اسلامی اختصاص پیدا کرد خود، از اهمیت و ضرورت تشکیل و نیز نقش الگودهی آن حکایت می‌کند و بیانگر آن است که تمدن‌سازی در متن برنامه‌های اسلامی قرار دارد؛ چراکه در پرتو آن شهروندان می‌توانند در کمال آرامش و امنیت به عبادت خدا بپردازند («وَلْيُبَدِّلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۱ (نور: ۵۵)، مسئولان نظام اسلامی، احکام آن را در جامعه به اجرا درآورند («الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ...»^۲ (حج: ۴۱)). نقش الگو بودن تمدن مدینه‌النبی اما، از آن لحاظ است که به‌رغم دیدگاه بعضی همچون ویل دورانت - که چون تمدن امری فطری نیست فاقد ثبات و دارای زوال است هر نسلی نیازمند تمدنی جدید است - احکام و آموزه‌های وحیانی و تاریخ اسلام و انبیای الهی که همه برای سعادت بشر آمده‌اند نشانگر آن است که اولاً؛ انسان‌ها نیازمند زندگی جمعی و تمدنی هستند، بنابراین در داستان انبیا در قرآن کریم به مواردی از آن اشاره شده است؛ ثانیاً؛ از آنجاکه تعلیمات ثابت و متغیر اسلامی که مایه اصلی این تمدن در تمامی ادوار تاریخ بوده است، مبتنی بر فطرت ثابت الهی انسان است (نک: تقی‌بی، ۱۳۹۷، صص ۱۱۴-۱۳۲) که «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۳ (روم: ۳۰) این دین و تمدن برخاسته از آن نیز

۱. و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا پرستند [و] هیچ‌چیزی را شریک من نگیرند.

۲. همانا که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند.

۳. [پایبند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است.

فراتاریخی است لیکن شکل ظاهر آن در جوامع و زمان‌ها و مکان‌های گوناگون تغییر پیدا می‌کند و با توجه به ثبات دین اسلام به‌عنوان دین تمامی انبیای الهی که «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^۱ (آل عمران: ۱۹) و تفاوت شرایع آن‌ها که «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَا» (مائده: ۴۸) و ازسویی قیم بودن دین اسلام «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ»^۲ (توبه: ۳۶)، ثباتات دین بن‌مایه تمدن وحیانی در هر زمان است و متغیرات آن را اندیشمندان اسلامی با کمک اجتهاد و با توجه به نیازهای مکانی و زمانی به‌روزرسانی می‌کنند. ازاین‌رو اقتضا می‌کند که تمدن‌های به ظاهر متفاوت اما مبتنی بر اصول و مبانی واحد وحیانی (اسلامی) و متناسب زمان در گذر تاریخ شکل بگیرد. بنابراین تمامی انبیا و اولیای الهی برای دستیابی بدان کوشیده و رنج بسیار تحمل کرده‌اند. بر همین اساس به تبع ثبات اصول و فطری بودن این دین قیم، الگوهای تربیت‌شده در این مکتب نیز فرازمانی، فرامکانی، فراملیتی، فرازبانی و فراجنسیتی هستند و هرچه می‌گذرد درخشندگی، کارآمدی، غنا و برتری آن‌ها در مقایسه با الگوهای بشری و غیروحیانی بیشتر نمایان می‌شود که نمونه‌ای از آن در صدیقه کبری (س) الگوی جاودان و حسنه حضرت مهدی (ع) تحقق یافته که می‌فرماید: «إِنَّ لِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَدَ حَسَنَةً»^۳ (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۳۶)؛ الگویی که بر حجج الهی، حجت است: «نَحْنُ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ فَاطِمَةُ حُجَّةٌ عَلَيْنَا»^۴ (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۳۶) و اینک که جهانی در انتظار منجی آخرالزمان است که الگوی آن حضرت زهراست و دولت ایشان تحقق کامل تمدن اسلامی است، بنابراین زمینه‌سازی و دستیابی به تمدن نوین اسلامی تنها بر بستر زندگانی‌ای صورت می‌گیرد که از سیره فاطمی که همان سیره نبوی، علوی و مهدوی است الهام گرفته است، شهروندان و مسئولان آن در تمام ابعاد مهارتی اعم از شناختی، رفتاری و بینشی از آن الگو پذیرفته‌اند، با بهره‌مندی از جهان‌بینی الهی، عدالت‌ورزی و کرامت‌خواهی برای تحقق آن اقدام کنند.

ضرورت تحقق چنین تمدنی تا آنجاست که رهبر انقلاب در جمع علمای اسلام گویند: امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد (خامنه‌ای، بیانات در اجلاس علمای بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۹/۲) چراکه آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدن اسلامی است (خامنه‌ای، بیانات دیدار با تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۹۹/۱۲/۲۸). درنتیجه به این دلیل که انسان‌ها نیازمند انتخاب نوعی از سبک زندگی هستند و ازسویی سبک زندگی غربی نه تنها پاسخگو نیست،

۱. مسلماً دین [واقعی که همه پیامبران مبلّغ آن بودند] نزد خدا، اسلام است.

۲. برای هریک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم.

۳. این است حساب استوار و پایدار.

۴. الگو و اسوه نیکوی من دختر فرستاده خدا (فاطمه زهرا «سلام‌الله‌علیها») است.

۵. ما حجت خدا بر خلقش و فاطمه حجت خدا بر ما.

بلکه برخلاف فطرت الهی بشر و مخرب است و به فرمایش قرآن کریم «يُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»^۱ (بقره: ۲۰۵) و همین ویژگی سبب ناکارآمدی، ناپایداری و زوال آن می‌شود، پایه‌ریزی تمدنی مبتنی بر جهان‌بینی الهی و دستوراتی و حیانی ضرورت امروز و بلکه همیشه جامعه بشری است؛ تمدنی که از تمدن‌هایی که ساخته بشر است، برتر است، علاوه بر پاسخگویی به نیازهای مادی، معنویت آن پاسخگوی نیازهای معنوی انسان است.

۳-۲-۳. مؤلفه‌ها و اصول تمدن اسلامی

صاحب‌نظران با توجه به آموزه‌های و حیانی، برای تمدن اسلامی اصول و مؤلفه‌هایی بیان کرده‌اند. از نظر مقام معظم رهبری مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است؛ ۲. دارای فضایی برای رشد و دستیابی به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن آفریده است، ۳. داشتن زندگی عزتمند با اراده و ابتکار، ۴. مبتنی بر دین، عقلانیت، علم و اخلاق، ۵. دارای قوانین برگرفته از قرآن، اجتهاد و پاسخگو به نیازهای نوبه‌نوی بشر، ۶. دور از تحجر، ارتجاع، بدعت و التقاط، ۷. مدافع مظلومان عالم (خامنه‌ای، بیانات در اجلاس علمای بیداری اسلامی، ۱۳۷۲/۲/۹)، سرشار از تقوا و پاکدامنی و عدالت. درعین حال آنچه سبب شد یک روز اسلام از یک جمع محدود و غریب به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل شود، اصل توجه به خداوند، معنویت، تضرع و خشوع بود (خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران، ۱۳۸۳/۸/۴). برخی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، پیاده کردن مؤلفه‌هایی همچون همبستگی و انسجام اجتماعی میان عموم جامعه، بیداری و آگاهی، وحدت امت اسلامی و حمایت متقابل مسولان و مردم از یکدیگر را مطرح می‌کند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷). مؤلفه دیگر بیداری و آگاهی است که بر تمدن نوین اسلامی تأثیر بسیار دارد و جامعه باید نیازهای خود را از مرحله ناخودآگاه به خودآگاه منتقل کند تا بتواند موضع درستی در برابر ورودی‌ها و خروجی‌ها داشته باشد. دیگر مؤلفه، مشارکت اجتماعی است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷) که قرآن کریم از آن به‌عنوان «امر جامع» یاد می‌کند (نور: ۴۲) و حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه خود بر آن تأکید کرده‌اند: «امامت ما را امانی از تفرقه و اختلاف قرار داده است» (مجلسی، ۱۳۷۹، صص ۸۱۷-۸۲۴). حمایت اجتماعی متقابل مسئولان و مردم از یکدیگر، مؤلفه دیگر است. بدین گونه که مردم از مسئولان به‌عنوان نماینده خود حمایت کنند و مسئولان برای بهبود و رفاه اجتماعی مردم حمایت‌های لازم را انجام بدهند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷).

بعضی تحرک نظام انقلابی در مسیر جامعه‌سازی و استقلال فرهنگی-مکتبی همراه با وحدت امت اسلامی

۱. زراعت و نسل را نابود کند.

جدول شماره ۴. مؤلفه‌ها و اصول تمدن اسلامی از نظر مقام معظم رهبری

ردیف	مؤلفه
۱	بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است.
۲	دارای فضایی برای رشد و دستیابی به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن آفریده است.
۳	داشتن زندگی عزتمند با اراده و ابتکار
۴	مبتنی بر دین، عقلانیت، علم و اخلاق
۵	دارای قوانین برگرفته از قرآن، اجتهاد و پاسخگو به نیازهای نوبه‌نوی بشر
۶	دور از تحجر، ارتجاع، بدعت و التقاط و مدافع مظلومان عالم
۷	مدافع مظلومان عالم

و احتراز از خط قرمزهای این راه ازجمله برافروختن هرگونه اختلاف مذهبی را مطرح می‌کند... چراکه رعایت این اصول نظام و کشور و امت اسلامی را در ایستگاه جوشش درونی آفرینندگی و قدرت الهام بخشی آن به تمدن‌سازی اسلامی نوین به‌عنوان آرمان اصلی و واقعی و نهایی می‌رساند (سرپرست، ۱۴۰۰).

برخی با توجه به آیات قرآن و روایات برای تمدن اسلامی این اصول را در نظر گرفته‌اند: اصل سلطه و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش، اصل خلافت انسان از خداوند، اصل حاکمیت اجتماعی به‌عنوان امانتی الهی نزد مردم، اصل مشورت، اصل بیعت، اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل آزادی انسان، اصل برابری انسان‌ها (نقیبی، ۱۳۹۷).

۴. مؤلفه‌ها و اصول تمدن نوین اسلامی مبتنی بر مهارت‌های زندگی فاطمی

اینک با توجه به آنچه گفته شد، برخی اصول و مؤلفه‌های تمدن اسلامی مبتنی بر مهارت‌های زندگی فاطمی بررسی می‌شود:

۱. مشورت‌گیری و مشورت‌دهی

شورا و مشورت بدان معناست که زمانی که انسان خود برای کاری رأی صحیحی ندارد، آن را از آرای دیگران به دست آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۹۲). در مکتب وحی مشورت از جایگاه خاصی برخوردار است. خداوند به پیامبر (ص) می‌فرماید: «...وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران: ۱۵۹)؛ و برای آن‌ها آمرزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن. براساس آیه مذکور پیامبر (ص) فرمان

یافت با اصحاب خود مشورت کند. در روایات نیز بر شورا تأکید شده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَسْتَشِيرُ أَصْحَابَهُ» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۴)؛ پیامبر(ص) با اصحابش مشورت می‌کرد. فعل ماضی استمراری در این روایت نشانگر آن است که سیره پیامبر اکرم(ص) بر استمرار مشورت بوده است. این امر تنها برای اصحاب ایشان نبود، بلکه به این دلیل که از نمونه‌های بارز احترام و تکریم فرزندان، مشورت کردن با آنان از اوایل نوجوانی است، در روایت نبوی آمده است که «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ»^۱ (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۴۷۶). بر این اساس باید از چهارده سالگی در کارها با فرزند مشورت کرد و از نظر او بهره‌مند شد. این گونه توجه و عنایت به فرزندان که از آینده‌سازان تمدن اسلامی هستند، اندیشه و تفکر آنان را بارور می‌کند و استعدادهای نهفته در وجودشان را به سوی خلاقیت و نوآوری عملی و مصون ماندن از استبداد رأی هدایت می‌کند. از این رو پیامبر(ص) که خود، بنیان‌گذار تمدن اسلامی هستند، مشورت را از خانواده آغاز کردند و به جامعه و اصحاب خود تسری دادند. برای مثال حضرت درباره خواستگاری امیر مؤمنان(ع) از حضرت زهرا(س) با ایشان مشورت کردند. حضرت زهرا(س) نیز متقابلاً با احترام نظر پدر خود را جویا شدند. درحالی که تبسم می‌کرد، فرمود: «خشنودم به آنچه خدا و پیامبر او برای من رضایت دارند و شما از من به اظهار نظر سزاوارتری» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۹۹). اهمیت مشورت تا آنجاست که بعضی از علما به وجوب آن نظر داده‌اند. اصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز که مبتنی بر اصول اسلامی است، درباره مشورت و شورا است.

۲. بیعت

بیعت همچون قراردادی میان امام و امت یعنی پذیرش اطاعت از سوی امت و قیام به عدالت از ناحیه امام است (عمید زنجانی، ۱۳۶۶، ج ۲، ۲۰۷). بیعت سازوکار فعلیت و مشروعیت حاکمیت است که خداوند در آیاتی آن را ستوده است (فتح: ۱۰) و نیز به پیامبر دستور داده است که بیعت زنان را نیز به رسمیت بشناسد (ممتحنه: ۱۲). حضرت زهرا(س) که تجسم آیات قرآن است هم با پیامبر(ص) و علی(ع) بیعت کرد و هم در وفای بدان و دفاع از آن تا آنجا مجاهدت کرد که جان خود و فرزندش را در این راه فدا کرد.

۳. خلافت انسان از خداوند

خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»^۲ (ص:

۱. فرزند هفت سال سرور است، هفت سال نوکر و هفت سال وزیر و دستیار.

۲. {و گفتیم: ای داود! همانا تو را در زمین جانشین [و نماینده خود] قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن.

۲۶) این بدان معناست که خداوند انسان را خلیفه خود در زمین قرار داده و حق حاکمیت و اداره جامعه را که از آن خود بود «إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ»^۱ (یوسف: ۴۰) به او واگذار کرده است. در نتیجه تدبیر امور جامعه اسلامی از شئون خلیفه الهی انسان است (صدر، ۱۳۹۹ق، ص ۹). به عبارت دیگر خلافت روی زمین در ابعاد مختلف صورت گرفته است؛ بنابراین انبیا و ائمه معصومین (ع) همه برای تشکیل حکومت اسلامی قیام و مجاهدت می کردند و در دوران غیبت نیز از شئونات ولی فقیه است. از این رو مقام معظم رهبری که انقلاب اسلامی را یکی از مراحل مقدماتی تشکیل تمدن نوین اسلامی می داند، زمانی که از سوی خبرگان به عنوان رهبر انتخاب شدند به رغم میل خویش آن را پذیرفتند و به این آیه استشهاد کردند: «خُذْهَا بِقُوَّةٍ»^۲ (خامنه ای، بیانات دیدار ائمه جمعه، ۱۳۶۸/۴/۱۲). حضرت زهرا (س) نیز با توجه به این مهم در خطبه فدکیه و خطبه عیادت در دفاع از این امر مطالبی فرمودند. بنابراین همگان در مهارت زندگی سیاسی و اجتماعی در جهت تحقق تمدن اسلامی باید به ایشان اقتدا کنند.

۴. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر که از فروع دین به شمار آمده، در آیات قرآن بر آن تأکید بسیار شده است (آل عمران: ۱۰۴) و نیز از جمله رسالت حاکمان اسلامی (حج: ۴۱) و در زمره وظایف شهروندان جامعه اسلامی و ولایت اجتماعی آنان و مقدم بر اقامه نماز و ایتای زکات دانسته شده است (توبه: ۷۱). بنابراین حضرت زهرا (س) در خطبه فدکیه خویش چنین می فرماید: «فَجَعَلَ اللَّهُ... الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ»^۳ (مجلسی، ۱۳۷۹، صص ۸۱۷-۸۲۴). بدان معنا که امور جامعه تمدنی اسلامی به کمک امر به معروف اصلاح می شود و باید مردمی که خواستار اصلاح جامعه هستند به عنوان یک مهارت آن را فراگیرند.

۵. برابری و مساوات

خداوند انسان ها را برابر آفریده، تقوا را تنها وجه برتری آنها بر یکدیگر دانسته است (حجرات: ۱۳). امام علی (ع) نیز در فرمان خود به مالک اشتر متذکر می شود که مردم یا برادر دینی یا شبیه وی در آفرینش هستند (سید رضی، ۱۳۸۲، نامه ۵۳). تاریخ گواه آن است که در جامعه تمدنی مدینه النبی و در حکومت علوی نیز مردم و حاکم مسلمین همه از حقوق یکسان برخوردار بودند و در آن تبعیض های ناروا که موجب نارضایتی مردم و در نتیجه سستی پایه های حکومت می شود، جایگاهی نداشته است. نمونه ای از آن داستان

۱. حکم فقط ویژه خداست.

۲. بگیر آن را با قدرت.

۳. خداوند امر به معروف را برای اصلاح جامعه مقرر کرد.

عقیل، برادر نابینا و عیالمند امام علی(ع) است که آنگاه که از حضرت پیمانه‌ای گندم بیش از دیگران درخواست کرد، با آهن گداخته‌ای روبه‌رو شد که امام علی(ع) به او نزدیک کرد تا وی را از آتش جهنم برحذر دارد (سید رضی، ۱۳۸۲، خطبه ۲۲۴). در سیره حضرت زهرا نیز موارد بسیاری وجود دارد. نمونه‌ای از آن تقسیم کار حضرت با فضه خادمه بود (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۴۹). اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که مبتنی بر آموزه‌های دینی است بر تساوی همه افراد ملت در بهره‌مندی از حمایت قانون با رعایت موازین اسلامی تصریح دارد.

۶. همبستگی و انسجام اجتماعی

یکی از مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، همبستگی و انسجام اجتماعی میان عموم جامعه است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷). چراکه از نظر قرآن کریم زمانی که میان مردم نفاق و اختلاف ایجاد شود، جامعه دچار اضمحلال می‌شود (انفال: ۴۶). بنابراین حضرت زهرا(س) می‌فرماید: «وَإِمَامَتُنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ»^۱ (مجلسی، ۱۳۷۹، صص ۸۲۵-۸۳۸). یعنی در الگوی اسلامی تمدن، امام جامعه محور وحدت، همبستگی و انسجام میان افراد آن است و این از جمله مهارت‌هایی است که خانواده‌ها باید همچون زهرا(س) به فرزندان خود بیاموزند.

۷. بیداری و آگاهی و بصیرت‌ورزی

بیداری، آگاهی و آگاهی‌بخشی و بصیرت‌ورزی از جمله موضوعاتی است که در اسلام بر آن بسیار تأکید شده و درحقیقت بعثت انبیا به همین منظور صورت گرفته است. اهمیت این موضوع تا آنجاست که در کلام الهی، پیامبر(ص) برای آگاه‌سازی مشرکین نیز دستور می‌یابد (توبه: ۶). این امر بر تمدن نوین اسلامی نیز تأثیر بسیار دارد؛ زیرا جامعه باید نیازهای خود را از مرحله ناخودآگاه به خودآگاه منتقل کند تا بتواند موضع درستی در برابر ورودی‌ها و خروجی‌ها داشته باشد (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷). تحرک نظام انقلابی در مسیر جامعه‌سازی و استقلال فرهنگی همراه با وحدت امت اسلامی و احتراز از خط قرمزهای این راه از جمله برافروختن هرگونه اختلاف مذهبی... نظام و کشور و امت اسلامی را در ایستگاه جوشش درونی آفرینندگی و قدرت الهام‌بخشی آن به تمدن‌سازی اسلامی نوین به‌عنوان آرمان اصلی و واقعی و نهایی می‌رساند (سرپرست، ۱۴۰۰). خطبه‌های حضرت زهرا(س) و مراجعه ایشان به در منازل مهاجرین و انصار نیز از باب بیدارگری است. حضرت پس از توصیف وضعیت زندگی مردم پیش از بعثت شریف درباره اقدامات بیدارگرانه و آگاهی‌بخش پیامبر(ص) چنین می‌فرماید: «فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ (ص)

۱. (خداوند) امامت ما (را) برای رهایی از تفرقه قرار داد.

ظَلَمَهَا وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا وَ جَلَّى عَنِ الْاَبْصَارِ غُمَمَهَا...^۱ (مجلسی، ۱۳۷۹، صص ۸۲۵-۸۳۸).

۸. مشارکت اجتماعی

دیگر مؤلفه تمدن نوین اسلامی، مشارکت اجتماعی است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷) که قرآن کریم از آن به عنوان «أَمْرٌ جَامِعٌ» یاد می کند (نور: ۲۶۹) بسیاری از احکام و آموزه های دینی همچون نماز جماعت، حج، امر به معروف و نهی از منکر، خمس، زکات، بیعت و غیره مشارکت مردم و اجرای جمعی را اقتضا می کند. آنچه در فرمایشات حضرت زهرا(س) در توییح صحابه پیامبر(ص) مطرح شده، شکستن پیمان و سستی در مهم ترین مشارکت اجتماعی یعنی پابندی بر بیعت خود با امام علی(ع) در روز غدیر خم و دفاع از ولایت بود که در خطبه فدکیه و عیادت به چشم می خورد.

۹. حمایت اجتماعی مسئولان و مردم از یکدیگر

دیگر مؤلفه تمدن اسلامی، حمایت اجتماعی متقابل مسئولان و مردم از یکدیگر است. بدین گونه که مردم از مسئولان به عنوان نماینده خود حمایت کنند و مسئولان برای بهبود و رفاه اجتماعی مردم حمایت های لازم را انجام دهند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۷). خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر(ص) می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۲)، یعنی موفقیت پیامبر در ایجاد تمدن مدینه النبی با نصرت الهی و به کمک مؤمنان تحقق یافت. همچنان که تاریخ نشانگر آن است که آنگاه که مردم از مسئولان خود به خوبی و به هنگام حمایت نکردند، جامعه از خلافت ولی خدا محروم شد که نمونه ای از آن درباره امام علی(ع) پس از رحلت پیامبر(ص) صورت گرفت که حضرت زهرا(س) در خطبه عیادت زنان مدینه ضمن اشاره بدان، به آنان از آینده ای پر از هرج و مرج و استبداد ستمگران و حسرت و اندوهی که در انتظارشان بود، خبر داد (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، صص ۱۰۸-۱۰۹) و اما آنجا که مردم به حمایت از حضرت پرداختند، ایشان به رغم مخالفت با آن، ناگزیر خلافت را پذیرفتند. بنابراین در این باره می فرماید: «لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ... لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا»^۲ (سید رضی، ۱۳۸۲، خطبه ۳)؛.. این حمایت همراه با درک متقابل از طریق مشورت و ارتباط مستمر میان مردم و مسئولان - که امام علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر بر آن تأکید می کند (سید رضی، ۱۳۸۲، خطبه ۱۹۳)،

۱. خداوند به وسیله پدر تاریکی های زندگانی مردم را روشن ساخت و ابهام را از دل هایشان و ابرها را از دیدگان نشان برطرف کرد.

۲. اگر نبود حضور آن جمعیت و تمام شدن حجت باوجود یار و یاور و اگر نبود که خداوند از دانیان پیمان گرفته است که بر سیری ستمگر و گرسنگی ستمدیده رضایت ندهند، هر آینه مهار شتر خلافت را بر شانه اش می انداختم.

سبب ایجاد انسجام و هم‌افزایی در جامعه اسلامی، گشوده شدن درهای برکات زمین و آسمان بر مردم (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۱، صص ۱۰۸-۱۰۹)، رسیدن به اهداف اسلامی... و درنهایت تمدن اسلامی که جز با حضور مردم امکان‌پذیر نیست، می‌شود (رک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار ائمه جمعه، ۱۴۰۲/۱۰/۲۶)؛ ازاین‌رو حضرت فاطمه (س)، عدم حمایت اصحاب از امام علی (ع) پس از رحلت پیامبر (ص) را اقدامی منافقانه و در جهت لبیک‌گویی به دعوت شیطان و گرفتار شدن در فتنه می‌داند که بنا بر آیات قرآن به افتادن آنان در جهنم منجر خواهد شد: «وَأُطْلِعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ... ثُمَّ اسْتَهْزَأَ بِكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا... أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ»^۱ (مجلسی، ۱۳۷۹، صص ۸۲۸-۸۳۵) حضرت خطاب به زنان زنان انصار نیز کندی و سستی انصار در یاری امام علی (ع) را نکوهش می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۱، صص ۱۰۸-۱۰۹).

۱۰. تفکرورزی و عقلانیت

عقل‌گرایی و تفکر از پایه‌های زندگی بشر است و در مکتب اسلام و در الگوی تمدنی اسلامی جایگاه خاصی دارد و مقام معظم رهبری آن را ازجمله ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی می‌خواند؛ تمدنی که مبتنی بر آیات قرآنی است که به‌عنوان کتاب دستورالعمل زندگی بشر در بسیاری موارد بر آن تأکید کرده است: «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»^۲ (بقره: ۲۱۹)، «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۳ (بقره: ۲۴۲) و «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۴ (بقره: ۴۴) و در کلام معصومان (ع) یک ساعت تفکر از یک شب، یک سال، شصت سال یا هفتاد سال عبادت برتر دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۸، ص ۳۲۵ و کلینی، ۱۳۷۹، ج: ۲، ص ۵۴). چراکه تفکر و تعقل سبب راستی و استواری عمل و قوام زندگی می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸). امام خمینی (ره) تفکر را کلید درهای معارف، کمالات و علوم و مقدمه لازم برای سلوک انسانیت می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۹۱). بزرگان دین همچون شهید مطهری بر این نکته تأکید دارند که تفکر نظم دادن به معلومات برای تبدیل یک مجهول به معلوم و رسیدن به یک امر جدید است (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۹).

در زندگی حضرت زهرا (س) نیز تفکر جایگاه خاص دارد. برای مثال حضرت در شب ازدواج به علی (ع) عرض می‌کند: «تَفَكَّرْتُ فِي حَالِي وَأَمْرِي عِنْدَ ذِهَابِ عُمْرِي وَنُزُولِي فِي قَبْرِي، فَسَبَّهْتُ دُحُولِي فِي

۱. و شیطان سر خویش را از مخفیگاه خود بیرون آورد... آنگاه از شما خواست که قیام کنید و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید... آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اند (گرفته‌اید) و جهنم کافران را فراگرفته است.

۲. تا شاید شما تفکر کنید.

۳. شاید تعقل کنید.

۴. آیا تعقل نمی‌کنید.

فَرَاشِي بِمَنْزِلِي كَذَّحُولِي إِلَى لَحْدِي وَقَبْرِي»^۱ (شوشتری، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۸۱)؛ بنابراین تفکرورزی ازجمله مهارت‌های زندگی به شمار می‌آید که در سیره حضرت فاطمه (س) به‌گونه‌ای هدفمند و حکیمانه مشاهده می‌شود. تمدن‌سازی نیز بدون اندیشه و تفکر و برنامه‌ریزی مبتنی بر آن محقق نخواهد شد.

۱۱. بصیرت‌ورزی

بصیرت به معنای شناخت، زیرکی، عبرت و باور قلبی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل ریشه بصر). مقام معظم رهبری بصیرت را قطب‌نمای حرکت صحیح در اجتماع می‌داند (خامنه‌ای، بیانات در جمع مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵) و تأکید می‌کند که اگر بصیرت باشد، نقشه دشمن شناسایی می‌شود و انسان از بازی در زمین دشمن حفظ می‌شود (رک: خامنه‌ای، بیانات در دیدار با بسیجیان، ۱۴۰۲/۹/۸). در فرهنگ وحی نیز بصیرت از اهمیت بسیاری برخوردار است. در قرآن کریم نهضت انبیا، ازجمله نبی اکرم (ص) حرکتی همراه با بصیرت دانسته شده است: «ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنْ اتَّبَعَنِي»^۲ (یوسف: ۱۰۸). نمونه‌هایی از بصیرت‌ورزی و بصیرت‌بخشی در سیره تمامی معصومان امام علی (ع)، امام حسین (ع) و دیگر ائمه فراوان یافت می‌شود. خطبه‌های حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) نیز در جامعه‌ای که جبهه‌های مختلف از داخل و خارج سرزمین اسلامی در پی فعال‌سازی گسل‌های قومیتی و نژادی، ایجاد شبهات، مشتبه ساختن حق و باطل با یکدیگر و بازگشت به جاهلیت هستند، سراسر بصیرت‌بخش و بیدارگر است. نمونه‌ای از آن چنین است: «فَعِيعَيْنِ اللَّهُ مَا تَفْعَلُونَ، وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، وَأَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيِّ عَذَابٍ شَدِيدٍ، فَاعْمَلُوا إِنَّا عَامِلُونَ» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۴۱)؛ آنچه می‌کنید زیر نظر خدا است و ستمگران به‌زودی خواهند دانست که به‌سوی چه سرانجامی بازمی‌گردند و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک و سخت بیم می‌داد، پس هرچه خواهید بکنید ما نیز کار خود پیش می‌گیریم... در این خطبه حضرت با وام‌گیری از آیات بصیرت‌بخش قرآن و استناد به آن در صدد بصیرت‌بخشی به جامعه ملتهب آن زمان برمی‌آید. در جای دیگر نیز در قالب دعا انحراف جامعه از پیام غدیر و جانشینی امام علی (ع) را مطرح می‌کند تا غفلت‌زدگان جامعه را بصیرت بخشد: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبَّيْكَ وَرَسُولَكَ وَصَفِيَّكَ وَازْدَادَ أَمَّتِهِ وَمَنْعَهُمْ إِنَّا حَقْنَا الَّذِي جَعَلْتَهُ لَنَا فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ بِلِسَانِهِ» (قیومی اصفهانی، ۱۳۴۲، ص ۱۷۴)؛ بارالها از درد از دست دادن پیامبر و فرستاده برگزیده‌ات و عقب‌گرد امتش و جلوگیری آنان از دسترسی ما به حقی که تو در

۱. درباره حال و وضع خود در پایان عمر و ورود به منزلگاه قبر اندیشیدم و انتقال از خانه پدر به منزل خودم، مرا به یاد ورود به قبر انداخت.

۲. من و هرکس پیرو من است بر پایه بصیرت و بینایی به‌سوی خدا دعوت می‌کنیم

کتاب و بر زبان پیامبرت تعیین کرده‌ای، به تو شکایت می‌کنیم. از این رو بصیرت‌ورزی از مهارت‌های اساسی جامعه تمدنی اسلامی به شمار می‌آید.

۱۲. شناخت حقوق متقابل (نیازها و احساسات دیگران)

در جامعه اسلامی همه انسان‌های بالغ و عاقل صرف‌نظر از جنسیت، ملیت و غیره دارای حقوق و مسئولیت‌هایی هستند که آگاهی از آن در جهت کسب مهارت‌های لازم و تحقق جامعه‌ای عدالت‌محور و متمدن تأثیری شایان دارد؛ جامعه‌ای که نسخه و حیانی تمدن‌ساز آن به صراحت بر ظلم نکردن و ظلم‌پذیری تأکید دارد: «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ»^۱ (بقره: ۲۷۹)؛ نه ظلم می‌کنید و نه مظلوم واقع می‌شوید. این شناخت می‌تواند شامل آگاهی از حقوق خداوند، زوجین، اعضای خانواده، اعضای جامعه و حتی اعضای بدن انسان باشد که در منابع اسلامی همچون «رسالة الحقوق» امام سجاد (ع) صراحتاً بدان تأکید شده است. نمونه‌ای از آن در سیره فاطمی، سخن ایشان با امام علی (ع) در آستانه شهادت است که می‌فرماید: «يَا بَنِي عَمِّ مَا عَهْدَتِي كَاذِبَةٌ وَ لَا حَائِثَةٌ وَ لَا خَالِفْتُكَ مُنْذُ عَاشَرْتَنِي»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ۴۳، ص ۹۱). این فرمایشات بانویی است که عصمت کبری دارد و پاره تن پیامبر (ص) است باین‌حال در خصوص حقوق همسر خود آگاه و به رعایت آن خود را ملزم می‌داند.

۱۳. پرهیز از تحجر و ارتجاع، بدعت و التقاط و هرج و مرج

جامعه برخوردار از الگوی تمدنی اسلامی، جامعه‌ای به دور از تحجر و التقاط است و از فرهنگ و سبک زندگی جاهلیت اولی و مدرن دور است به این دلیل که برنامه‌های آن مبتنی بر فرهنگ و حیانی و در نتیجه همراه با بصیرت، تفکر و الگوهای راستین است از تحجر و التقاط مصون است. چراکه الگوی و حیانی فاطمی، همچون ستاره‌ای است که در شب ظلمانی انباشته از شبهات، راهنمای رهپویان است همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «وَعَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»^۳ (نحل: ۱۶) و دوری از آن و روی آوردن به مهارت‌های زندگی مبتنی بر الگوهای مادی جامعه را دچار هرج و مرج خواهد کرد، همچنان که حضرت درباره بازگشت جامعه به ارزش‌های جاهلی به زنان انصار هشدار داد: «وَ أَبْشِرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَ ... بَهْجٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ»^۴ (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ق، ۱، ص ۱۰۸).

۱. نه ستم می‌کنید و نه به شما ستم می‌شود.

۲. ای پسرعمو! در مدتی که با تو بودم هرگز به تو دروغ نگفتم؛ خیانت نکردم و به مخالفت تو برخاستم.

۳. و نشانه‌ها و به وسیله ستارگان راهیابی می‌کنند.

۴. شمارا به شمشیر کشیده و هرج و مرجی فراگیر و استبداد ستمگران مژده باد. بدیهی است چنین تمدنی دیری نمی‌پاید که نابود می‌شود همان‌گونه که در تمدن‌های غیرالهی چنین اتفاق افتاده است.

۱۴. جهاد و دفاع از مظلومان

یکی از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی جهاد در راه خدا و دفاع از مظلومان است (خامنه‌ای، بیانات در دیدار علمای اجلاس بیداری اسلامی، ۱۳۷۲/۲/۹). بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات معصومان (ع) همچون خطبه «جهادیه» نهج البلاغه (سید رضی، خطبه ۲۷) نیز بدان پرداخته است و صفحات تاریخ اسلام و بلکه تاریخ انبیا شاهد جهاد و دفاع آنان از مظلومان است. خداوند علت صدور اذن جهاد برای مسلمانان را مظلوم واقع شدن آنان مطرح می‌کند و خود، یاری آنان را بر عهده می‌گیرد (حج: ۳۹). صدور اذن جهاد در زمانی که تمدن اسلامی در مدینه‌النبی در حال شکل‌گیری بود، بیانگر آن است که اصولاً در راه تمدن‌سازی مشکلات جدی وجود دارد و نیز این تمدن توسط مستضعفان و مظلومان مقتدر شکل می‌گیرد: «وَرُبِّدَ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ (قصص: ۵). بنابراین در فراگیری مهارت‌های زندگی مبتنی بر سیره فاطمی به اهمیت جایگاه جهاد در گفتار «فَجَعَلَ اللَّهُ... الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۲۲۳) و در رفتار در دفاع از مظلومان در قالب حمایت از اول مظلوم عالم امام علی (ع) حتی به بهای فدا کردن جان خود و فرزندشان، پی برده می‌شود.

۱۵. علم‌آموزی

دین مبین اسلام بر علم و علم‌آموزی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی تأکید بسیار دارد. قرآن کریم، خداوند را نخستین معلم بشر خوانده: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵)، بر عدم تساوی آگاهان با غیر آنان تأکید می‌کند (زمر: ۹). توجه اسلام به اهمیت آموزش واجبات که در رأس آن مهارت‌های زندگی برای دستیابی به حیات طیبه است، سبب شده تا بعضی از علما همچون علامه حلی به وجوب پرداخت هزینه آموزش کودک توسط امام - در صورت نداشتن تمکن مالی کودک و پدرش - حکم بدهند (حلی، ج ۱، ص ۳۱۸).

بنابراین حضرت زهرا (س) نه تنها خود گنجینه دانش بودند بلکه زینب کبری، تربیت شده دامن ایشان در کلام امام سجاد (ع) «عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ» (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۱) خوانده شد و خادمه ایشان با آیات قرآن سخن می‌گفت. توجه حضرت به دانش تا آنجا بود که هنگامی که بخشی از نوشته‌های ایشان مفقود شد، در اهمیت آن فرمودند که: «إِنَّهَا تَعْدِلُ عِنْدِي حَسَنًا وَحُسَيْنًا» (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۵۶)؛ این‌ها نزد من با حسنین برابری می‌کند.

۱. و ما می‌خواستیم به آنان که در آن سرزمین به ناتوانی و زبونی گرفته شده بودند، نعمت‌های باارزش دهیم و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [اموال، ثروت‌ها و سرزمین‌های فرعونیان] گردانیم.

در تعلیم و تربیت علاوه بر ضرورت سازماندهی باید به عنوان امری مستحب و گاه واجب از بهترین روش‌ها استفاده شود. نظر به عبارت «إِسْتِصْلَاحُ أَهْلِهَا» در عهدنامه مالک اشتر (سید رضی، نامه ۱۹۳)، حاکم اسلامی و نهادهای تعلیم و تربیت موظف‌اند با هدف اصلاح جامعه برای آموزش مخاطبان مختلف همچون عموم مردم، نهادهای خانواده، علما، حکومت، آموزش و پرورش و مانند آن‌ها، بهترین محتوا و شیوه را به کار گیرند (نک: اعرافی، ۱۳۹۹، صص ۳۰۸-۳۱۲). در خصوص مهارت‌های زندگی دو دسته آموزش وجود دارد: یکی آموزش مبتنی بر فرهنگ غربی و فمینیستی که به گفته نانسی لوانت (Nancy Levant) حاصل آن برای مثال در آمریکا بر جای ماندن ۵۰ درصد کودکان به عنوان فرزندان طلاق است که ۹۰ درصد آن‌ها با مادران مجرد خود زندگی می‌کنند؛ پدیده‌ای که با به انحراف رفتن فرهنگ جامعه آمریکا در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ رخ داده، در فرهنگ معاصر ریشه دوانده است (لوانت، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹). فرهنگی که به رغم ظاهر نوین آن ارتجاعی است، زیرا بر ویرانه‌های تمدن رومی بنا شده است (نک: خامنه‌ای، دیدار شورای فرهنگی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۴)؛ بنابراین سکینه، مودت و رحمت حاصل از صبر، تاب‌آوری و ایثار به عنوان کارکرد اصلی ازدواج و تشکیل خانواده (روم: ۲۱) در آن جایگاهی ندارد. بدیهی است این نوع مهارت‌های زندگی نمی‌توانند دست‌مایه تحقق تمدن نوین اسلامی و تربیت‌کننده شهروندانی صالح برای آن باشند. نوع دیگر آموزش اما، مهارت‌های زندگی فاطمی مبتنی بر فرهنگ و حیانی است که منشأ آن الهی و مقصد آن حیات طیبه است، عقل معاش و معاد یعنی سعادت دنیا و آخرت را دربردارد.

جدول شماره ۵. مؤلفه‌ها و اصول تمدن نوین اسلامی مبتنی بر مهارت‌های زندگی فاطمی

۱	مشورت‌گیری و مشورت‌دهی
۲	بیعت به منزله قرارداد میان امام و امت
۳	خلافت انسان از خداوند
۴	بیداری، آگاهی و بصیرت‌ورزی
۵	امر به معروف و نهی از منکر
۶	مشارکت اجتماعی
۷	برابری و مساوات
۸	حمایت اجتماعی مسئولان و مردم از یکدیگر
۹	شناخت حقوق متقابل
۱۰	پرهیز از تحجر، ارتجاع، بدعت و التقاط
۱۱	جهاد و دفاع از مظلومان
۱۲	علم‌آموزی
۱۳	همبستگی و انسجام اجتماعی
۱۴	تفکرورزی و عقلانیت

نتیجه گیری

رسالت هر مسلمان تلاش برای تحقق تمدن نوین اسلامی است و به این دلیل که تمدن‌های غیرالهی در تقابل با فرهنگ اسلام است، برای دستیابی به هدف، باید هر مسلمان از مهارت‌های زندگی الهام گرفته از الگوی تمدنی اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی بهره‌مند شود. تأسی به الگوهای والایی همچون صدیقه کبری (س) پیمودن این راه را هموار و تسریع می‌کند. از این رو در این پژوهش پس از بررسی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مهارت‌های زندگی و تمدن نوین اسلامی، شماری از موارد مشترک و غیرمشترک آن‌ها همچون تفکرورزی، بصیرت‌ورزی، علم‌آموزی، ارتباط با دیگران و رعایت حقوق آنان، مساوات و مشورت‌گیری با توجه به سیره حضرت زهرا (س) بررسی شد. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که به رغم آنکه حضرت یک بانوی جوان و شهروند جامعه تمدنی مدینه النبی بودند، در فرمایشات و سیره ایشان برای تمامی موارد مصادیق ارزشمندی وجود دارد که باید الهام‌بخش همگان باشد.

براین اساس پیشنهاد می‌شود: برای مهارت‌های زندگی فاطمی، رویکرد تمدنی با ویژگی‌هایی همچون ارزش‌گذاری برای کار، عدالت‌خواهی، مسئولیت‌پذیری، عفت‌ورزی و...، متناسب با نیاز و درک مخاطبان اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، زنان و مردان در ارتباط با خود، خداوند و دیگران برنامه‌ریزی شود، در قالب بازی و سرگرمی، فیلم، داستان، رمان و شعر محتوا تهیه شود و در کتاب‌ها و برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها، آموزش ضمن خدمت کارکنان، آموزش قبل و بعد از ازدواج و برگزاری دوره‌های مهارت لحاظ شود.

تشکر و قدردانی

خداوند منان را سپاس می‌گویم از اینکه توفیق عنایت فرمود تا این مقاله را تهیه کنم.

تعارض منافع

اینجانب در مقام نویسنده مسئول اعلام می‌کنم که در خصوص انتشار مقاله ارائه شده کاملاً از **چالش‌های اخلاق نشر نظیر سرقت علمی / ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز کرده‌ام.**

منابع

- ابراهیم‌نژاد، محمدرضا، و محمدپور، عباس (۱۴۰۱). واکاوی مفهوم «تمدن نوین اسلامی» با رویکرد معناشناختی. *مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی*، ۳(۲)، ۱۱-۳۲.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.37952538.1400.1.1.1.9>

- ابراهیمی کیایی، هادی، و جمشیدی‌ها، غلامرضا (۱۳۹۹). سرمایه‌های اجتماعی تمدن‌ساز در اندیشه امام خمینی (ره). *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۳(۲)، ۳۲۳-۳۴۸.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.2676525.1399.3.2.11.8>
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹). *مقدمه ابن خلدون*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ادیب، یوسف (۱۳۸۹). الگوی بهینه برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دوره ابتدایی. *علوم تربیتی*، ۱۷(۲)، ۵-۳۶.
https://education.scu.ac.ir/article_10275.html
- اعرافی، علیرضا (۱۳۹۹). *فقه تربیتی ۲، وظایف نهادهای حکومتی*. قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
- اکبری، محمدتقی و همکاران (۱۳۷۰). *فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). *سبک زندگی فاطمی*. پژوهشنامه سبک زندگی، ۱۱(۱)، ۹۹-۱۲۰.
- بهشتی، محمد، و همکاران (۱۳۷۹). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سمت.
- پیداد، فاطمه (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه میزان مهارت‌های زندگی دانشجویان رشته‌های فلسفی و غیرفلسفی دانشکده‌های علوم انسانی [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد].
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴). مبانی دینی تمدن از منظر اسلام. در *مجموعه مقالات همایش تمدن نوین اسلامی (صص. ذکر نشده)*. دانشگاه شاهد.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *فلسفه و اهداف حکومت اسلامی*. *مجله الکترونیکی اسراء*، ۲(۲).
<https://javadi.esra.ir/fa/w/>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). *انتظار بشر از دین*. قم: نشر اسراء.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). *سیره نبوی (منطق عملی)* (ج ۲). تهران: انتشارات دریا.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵). *تاریخ تمدن*. ترجمه احمد آرام و همکاران. تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.

- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). تمدن نوین اسلامی، بنیادها و چشم‌اندازها. در مجموعه مقالات همایش تمدن اسلامی، دانشگاه شاهد، ۹۴-۱۰۸.
- رحیمیان، محمد، کشاورز شکری، عباس، و ترابی، یوسف (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بیانات مقام معظم رهبری و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی. *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۲۱(۲): ۱-۲۴. doi: 10.22070/nic.2018.782
- رجب‌زاده، محسن، الهی، شعبان، حسن‌زاده، علیرضا و مهرآیین، محمد (۱۴۰۱). اینترنت اشیا در مدیریت زنجیره تأمین: مروری نظام‌مند با رویکرد کیف پارادایمی. *پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۷(۱)، ۵۹. <https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/799027>
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *کارنامه اسلام*. تهران: امیرکبیر.
- سرپرست سادات، سید ابراهیم (۱۴۰۰). کمال مردم‌سالاری دینی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی؛ رویکرد تمدنی. *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۲۱(۱)، ۱۴۵-۱۷۰. <https://doi.org/10.22070/nic.2021.14551.1102>
- سید رضی، ابوالاحمد (۱۳۸۲). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- شوشتری، نورالله (۱۴۰۹ ق). *الحقاق الحق*. نجف: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- صدر، محمدباقر (۱۴۰۹ ق). *خلافة الانسان و شهادة الانبياء*. قم: بنیاد بعثت. واحد تبلیغات خارجی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق). *الاحتجاج علی اهل اللجاج*. مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۳ ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طبری آملی، محمد بن جریر (۱۴۱۳ ق). *دلایل الامامة (قسم الدراسات الإسلامية، محرّر)*. قم: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ق). *الغیبة للحجة*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- طبیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات اسلام.
- غفرانی، محمد و آیت‌الله‌زاده شیرازی، سید مرتضی (۱۳۶۹). *فرهنگ اصطلاحات روز*. تهران: امیرکبیر.
- علوی، کامران (۱۳۸۳). بررسی روند تحول قدرت بالقوه خلاقیت کودکان و اثرات آموزش مهارت‌های زندگی در پرورش آنان. [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس].
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶). *فقه سیاسی*. تهران: امیرکبیر.
- قادری، سید علی (۱۳۹۵). امام خمینی در پنج حوزه معرفت سیاسی الگوی شاخص برای نسل امروز. تهران: امیرکبیر.
- قیومی اصفهانی، جواد (۱۳۴۲). *صحیفه الزهراء (س)*. قم: انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). *الکافی (ج ۲)*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: اسوه.
- گلشنی، مهدی (۱۳۷۹). *علم، دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- لوانت، نانسی (۱۳۸۸). *تاراج فرهنگی زنان آمریکایی*. در *فمینیسم، شکست افسانه آزادی زنان (ج ۳)*. ترجمه م انصاری. تهران: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ج ۲)*. بیروت: دار احیاء التراث العربیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹). *زندگانی حضرت زهرا (س)* (ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار). ترجمه محمد روحانی علی آبادی. تهران: انتشارات مهام.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام خمینی*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴). *چهل حدیث*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه امام (ج ۸)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره).
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳). *اسلام و تنگناهای انسان متجدد*. ترجمه انشاء الله رحمتی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نقیبی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۷). *مردم‌سالاری دینی و تمدن نوین اسلامی*. *مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، ۱(۲)، ۱۱۴-۱۳۲. https://nic.shahed.ac.ir/article_787.html
- ولایتی، علی اکبر و همکاران. (۱۳۹۲). *تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*. تهران: امیرکبیر.
- هاتینگتون، ساموئل (۱۳۹۲). *برخورد تمدن‌ها*. ترجمه مجتبی امیری. تهران: چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

References

- Adib, Y. (2010). Optimal pattern of life skills curriculum for the elementary period. *Educational Sciences*, 17(2), 5-36. https://education.scu.ac.ir/article_10275.html [In Persian]
- Akbari, M., et al. (1991). *Dictionary of Islamic Science and Civilization Terms*. Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation [In Persian].
- Alavi, K. (2004). A study of the development trend of children's latent creativity and the effects of life skills education on their cultivation [Master's thesis, Tarbiat Modares University] [In Persian].
- Amid Zanjani, A. (1987). *Political Fiqh*. Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- A'rafi, A. (2020). *Fiqh Tarbiyyah 2, Duties of Governmental Institutions*. Qom: Eshragh va Erfan [In Persian].
- Beheshti, M., et al. (2000). *Views of Muslim Scholars on Education and its Foundations*. Tehran: Samt [In Persian].
- Behjatpour, A. (2015). Fatimi lifestyle. *Journal of Lifestyle Research*, 1(1), 99-120 [In Persian].

- Dehshiri, M. (2015). Islamic New Civilization, Foundations and Prospects. In Collection of Articles from the Islamic Civilization Conference. 94-108. Shahed University [In Persian].
- Delshad Tehrani, M. (2006). *The Prophetic Biography (Practical Logic)* (Vol 2). Tehran: Darya Publications [In Persian].
- Durant, W. (1986). *The Story of Civilization*. Ahmad Aram., & et al Trans. Tehran: Islamic Revolution Publications Organization [In Persian].
- Ebrahimikiai, H., & Jamshidihah, G. (2020). Civilization-building social capitals in the thought of Imam Khomeini (RA). *Journal of Fundamental Studies of Islamic New Civilization*, 3(2), 323-348.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.2676525.1399.3.2.11.8> [In Persian].
- Ebrahimnejad, M., & Pourabbas, M. (2022). Investigating the concept of "Islamic New Civilization" with a semantic approach. *Political Studies of Islamic New Civilization*, 3(2), 11-32.
<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.37952538.1400.1.1.1.9> [In Persian].
- Ghaderi, A. (2016). Imam Khomeini in five fields of political knowledge as a prominent model for today's generation. Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Ghioumi Isfahani, J. (1963). *Sahifat al-Zahra (SA)*. Qom: Eslami Publications [In Persian].
- Ghofrani, M., & Ayatollahzadeh Shirazi, M. (1990). *Dictionary of Contemporary Terms*. Tehran: Amir Kabir Publications [In Persian].
- Golshani, M. (2000). *Science, Religion, and Spirituality on the Eve of the 21st Century*. Tehran: Humanities Research Institute [In Persian].
- Huntington, S. (2013). *The Clash of Civilizations*. Mojtaba Amiri Trans. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Printing and Publications [In Persian].
- Ibn Khaldun, A. (1980). *Muqaddimah Ibn Khaldun*. Mohammad Parvin Gonabadi Trans. Tehran: Tarjomeh va Nashr-e Ketab [In Persian].
- Jamshidi, M. (2015). Religious foundations of civilization from the perspective of Islam. In Collection of Articles from the Conference on Islamic New Civilization (pp. Not specified). *Shahed University* [In Persian].

- Javadi Amoli, A. (2001). *Humanity's Expectation from Religion*. Qom: Esra Publications [In Persian].
- Javadi Amoli, A. (2008). Philosophy and objectives of the Islamic government. *Esra Electronic Journal*, (2). <https://javadi.esra.ir/fa/w/> [In Persian].
- Kulayni, M. (2000). *Al-Kafi* (Vol. 2). Muhammad Baqir Kamareh'i Trans. Tehran: Osvah [In Persian].
- Levant, N. (2009). *Cultural plunder of American women*. Ansari, M Trans. In *Feminism, the Myth of Women's Freedom Failure* (Vol. 3). Center for the Representation of the Supreme Leader in Universities [In Persian].
- Majlisi, M. (2000). *Biography of Lady Fatimah (SA) (Translation of Vol. 43 of Bihar al-Anwar)*. Muhammad Rouhani Aliabadi Trans. Tehran: Maham Publications [In Persian].
- Majlisi, M. (2024). *Bihar al-Anwar al-Jami'ah li-Akhbar al-A'immah al-Athar* (Vol. 2). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi [In Arabic].
- Mousavi Khomeini, R. (1990). *Sahifa-y-e Imam* (Vol. X). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam's Works [In Persian].
- Mousavi Khomeini, R. (1995). *Forty Hadiths*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam's Works [In Persian].
- Naghibi, A. (2018). Religious democracy and Islamic new civilization. *Journal of Fundamental Studies of Islamic New Civilization*, 1(2), 114-132. https://nic.shahed.ac.ir/article_787.html [In Persian].
- Nasr, H. (2004). *Islam and the Impasses of Modern Man*. Inshallah Rahmati Trans. Tehran: Sohrourdi Research and Publishing Office [In Persian].
- Peydad, F. (2006). A comparative study of life skills of philosophy and non-philosophy students in humanities faculties [Master's thesis, Shahed University] [In Persian].

- Rahimian, M., Keshavarz Shokri, A., & Torabi, Y. (2018). Investigating the components of social capital in the statements of the Supreme Leader and its role in the Islamic New Civilization building. *Journal of Fundamental Studies of Islamic New Civilization*, 1(2): 1-24. doi: 10.22070/nic.2018.782 [In Persian].
- Rajabzadeh, M., Elahi, S., Hasanzadeh, A., & Mehraeen, M. (2022). Internet of Things in Supply Chain Management: A Systematic Review Using the Paradigm Funnel Approach. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 37(1), 59-82.
<https://iranjournals.nlai.ir/handle/123456789/799027> [In Persian].
- Sadr, M. (2030). *Khilafat al-Insan va Shahadat al-Anbiya*. Qom: Besat Foundation [In Arabic].
- Sarparast Sadat, S. (2021). Perfection of religious democracy in the thought of the leaders of the Islamic Revolution; a civilizational approach. *Journal of Fundamental Studies of Islamic New Civilization*, 4(1), 145–170.
<https://doi.org/10.22070/nic.2021.14551.1102> [In Persian].
- Sayyid Radi, A. (2003). *Nahj al-Balagha*. Muhammad Dashti, Trans. Qom: Imam Ali (AS) Institute [In Persian].
- Shushtari, N. (2030). *Ithbat al-Haqq*. Najaf: Ayatollah Marashi Library [In Arabic].
- Tabari Amoli, M. (2023). *Dala'il al-Imamah (Islamic Studies Dept., Ed)*. Qom: Besat Foundation [In Arabic].
- Tabarsi, A. (2024). *Al-Ihtijaj 'ala Ahl al-Lijaj*. Mashhad: Nashr-e Morteza [In Arabic].
- Tabarsi, F. (2024). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi [In Arabic].
- Tabataba'i, M. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Muhammad Baqir Mousavi Hamedani Trans. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom [In Persian].
- Tayyib, A. (1999). *Atayeb al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Eslam Publications [In Persian].

- Tusi, M. (2023). *Al-Ghaybah li al-Hujjah*. Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiyyah [In Arabic].
- Velayati, A., et al. (2013). Calendar of the History of Islamic and Iranian Culture and Civilization. Tehran: Amir Kabir [In Persian].
- Zarrinkoob, A. (1990). *Encyclopedia of Islam*. Tehran: Amir Kabir [In Persian].